




بازخوانی معیارهای سرزندگی در مکان‌های تاریخی با تأکید بر رهیافت گردشگری میراثی

آزاده بیطرف^۱، زهرا سادات سعیده زرابادی^۲ *   حسین ذبیحی^۳ 

^۱ دانشجوی دکتری، گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. azadehbitaraf1@gmail.com

^۲ * (نویسنده مسئول) دکتری تخصصی، دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

z.zarabadi@srbiau.ac.ir

^۳ دکتری تخصصی، دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. h.zabihi@srbiau.ac.ir

چکیده

گردشگری تاریخی به‌عنوان یکی از ابتدایی‌ترین گونه‌های گردشگری در جهان شناخته شده که ریشه در ذات انسان دارد. چراکه انسان همواره علاقمند به شناخت موارد جدیدتر و حتی شناخت بیش‌تر و دقیق‌تر گذشته و تاریخ نیاکان خود و سایر انسان‌ها و جوامع است. متأسفانه این مهم در ایران معاصر، علی‌رغم آثار و جاذبه‌های متعدد تاریخی، بسیار کم‌رنگ‌تر از سایر کشورهای توسعه‌یافته می‌باشد. از راهکارهای توسعه گردشگری میراثی، بازگرداندن حیات از دست‌رفته‌ی شهری در مکان‌هایی است که از گذشته برایمان به یادگار مانده‌اند که این امر به واسطه‌ی اعمال و بکارگیری صحیح شاخص‌های سرزندگی میسر می‌گردد. در حقیقت پژوهش حاضر، با هدف بازشناسی معیارها و شاخص‌های سرزندگی در مکان‌های تاریخی در راستای توسعه سطح گردشگری میراثی انجام پذیرفته است. این پژوهش بر حسب نوع هدف، توسعه‌ای - کاربردی و شیوه‌ی مطالعه بر حسب روش و ماهیت، توصیفی - تحلیلی می‌باشد و گردآوری اطلاعات آن بر مبنای مطالعه منابع کتابخانه‌ای و تحلیل محتوای آنهاست. پس از تحلیل و بررسی آرای صاحب‌نظران متأخر در باب مؤلفه‌های سرزندگی، شاخص‌ترین معیارهای ارتقادهنده‌ی سرزندگی در عرصه‌های عمومی شهری و همین‌طور بافت‌های تاریخی مشخص گردید که شامل ۱. حضورپذیری مردم، ۲. تنوع و جذابیت، ۳. آسایش و آرامش، ۴. نفوذپذیری، ۵. انعطاف‌پذیری، ۶. امنیت، ۷. شفافیت، ۸. خوانایی، ۹. زیبایی، ۱۰. فعالیت-پذیر بودن و تنوع، دسترسی، آسایش، ایمنی و امنیت می‌باشند. با توجه به این‌که ویژگی‌های کالبدی مکان‌های تاریخی متفاوت از عرصه‌ها و بافت‌های تاریخی شهر می‌باشد، از این‌روی از میان کلیه شاخص‌های مطروحه، ۶ شاخص عمده شامل: ۱. تنوع و جذابیت، ۲. انعطاف‌پذیری، ۳. زیبایی، ۴. دسترسی، ۵. آسایش، ۶. امنی) به عنوان معیارهای ارتقادهنده‌ی سرزندگی در مکان‌های تاریخی تبیین گردیدند.

اهداف پژوهش:

۱. شناخت معیارهای سرزندگی در بافت‌های تاریخی.
۲. بازشناسی امکان توسعه گردشگری میراثی با توجه با شناخت معیارهای سرزندگی.

سؤالات پژوهش:

۱. بافت‌های تاریخی دارای چه معیارهایی برای احیاء سرزندگی هستند؟
۲. چه ارتباطی می‌توان میان سرزندگی در بافت‌های تاریخی و گردشگری میراثی ایجاد کرد؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۱

دوره ۱۸

صفحه ۱۰۳ الی ۱۲۳

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۸/۰۹/۲۸

تاریخ داوری: ۱۳۹۸/۱۱/۱۵

تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۱۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۳/۰۱

کلمات کلیدی

معیارهای سرزندگی، مکان‌های تاریخی، گردشگری میراثی.

ارجاع به این مقاله

بیطرف، آزاده؛ سعیده زرابادی، زهرا سادات و ذبیحی، حسین. (۱۴۰۰). بازخوانی معیارهای سرزندگی در مکان‌های تاریخی با تأکید بر رهیافت گردشگری میراثی. هنر اسلامی، ۴۱(۱)، ۱۰۳-۱۲۳.



[dori.net/dor/20.1001.1.1735708.1400.18.41.7.6](https://doi.org/10.22034/IAS.2020.218517.1180)



dx.doi.org/10.22034/IAS.2020.218517.1180

مقدمه

نواحی تاریخی شهرها، میراث ارزشمند معماری و کالبدی بر جای مانده از گذشتگان ماست که در طول زمان در هویت‌بخشی به حیات شهری همواره نقش بارزی ایفا کرده‌اند. این بخش از شهر، تجلی‌گاه ابعاد فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی مردمانی است که در دوره‌های تاریخی در این بخش از شهر، روزگار سپری کرده و هویت فرهنگی آن را به ثبت رسانده‌اند. چنانچه ناحیه‌ی تاریخی شهرها، شناسنامه واقعی آن‌ها نامیده شود، سخن گزافی گفته نشده است. بنابراین حفظ، احیا و بازآفرینی آن‌ها از جمله ضرورت‌هایی است که می‌تواند حیات این نواحی را تأمین نماید. فقدان حیات شهری در مکان‌های تاریخی و ارزشمند علی‌رغم تمام خصوصیات ماندگارشان دلیلی روشن برای رها و متروکه شدن این مکان‌ها است. این در حالی است که باوجود کم‌ترین توجهات و اقدام به خدمات‌رسانی در این گنجینه‌های تاریخی ارزشمند که هنوز برای بسیاری از ما ناشناخته است. این مکان‌ها پذیرای گردشگری شود که با رویکرد آگاهی هر چه بیش‌تر این رمز و رازها و شاید بازگشت به اصل آنچه که بوده‌اند (هویت)، به این ثروت‌های فرهنگی و تاریخی رجوع نمایند. برجسته‌سازی مکان‌های تاریخی، مقوله‌ای است وسیع که پدیده‌ی نوظهور به نام سرزندگی شهری را مطرح می‌سازد. سرزندگی شهری حاصل تعامل بین شهر و شهروند است. تا زمانی که انسان و مقاصد انسانی نادیده گرفته شود، شهر به‌عنوان عاملی که سلامت روابط انسان‌ها را متضمن می‌شود، به‌کلی نقش خود را از دست خواهد داد. شکل‌گیری این تعامل نه اقدامی یک‌باره بلکه نیازمند برنامه‌ریزی و درنظر گرفتن تدابیر مدیریت شهری است. متأسفانه امروزه فقدان وسعت‌نظر و جامع‌نگری در برنامه‌ریزی و طراحی فضاهای شهری به‌ویژه مکان‌های تاریخی، سبب گردیده تا این دست از فضاهای شهری فاقد حس سرزندگی، نشاط و شادابی کافی باشند. تأمین سرزندگی در مکان‌های تاریخی در راستای احیا و باززنده‌سازی آن‌ها و به تبع آن توسعه گردشگری تاریخی مستلزم شناخت عوامل ارتقادهنده‌ی سرزندگی در این مکان‌هاست. از این‌رو پژوهش حاضر درصدد آن است تا عوامل و شاخص‌های تأثیرگذار بر سرزندگی مکان‌های تاریخی را بازشناسد و حیات از دست‌رفته‌ی شهری را دگرباره به این مکان‌ها بازگرداند.

درخصوص پیشینه پژوهش حاضر باید گفت تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر در نیامده است. در این میان آثاری به بررسی چگونگی سرزندگی در مکان‌های تاریخی پرداخته‌اند. مقاله‌ای با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر افول حس سرزندگی و زیست‌پذیری در بافت‌های تاریخی و فرسوده (مطالعه موردی: محله سنگ سیاه شیراز)»، به قلم داوود حبیبی (۱۳۹۲) به رشته تحریر در آمده است. مؤلف در این اثر معتقد است اگر بافت‌های تاریخی دارای فضایی امن باشند، حضور فعال مردم و به تبع آن سرزندگی و زیست‌پذیری افزایش می‌یابد. مقاله‌ای دیگر با عنوان «نقش مبلمان شهری در سرزندگی بافت‌های تاریخی» توسط اسکانی و حاجیان (۱۳۹۵) به رشته تحریر در آمده است. نویسندگان در این اثر برآنند که کالبد فضایی سرزنده و بلمان شهری متناسب با فضای بافت تاریخی می‌تواند در ایجاد حس سرزندگی تأثیرگذار باشد. با این حال در این آثار به مقوله گردشگری و نقش آن در ایجاد سرزندگی اشاره نکرده‌اند.

روش تحقیق مورد استفاده در مطالعه‌ی حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی بوده و با هدف بازخوانی معیارهای سرزندگی در مکان‌های تاریخی در راستای توسعه گردشگری میراثی انجام گرفته است. فرآیند انجام کار به این صورت بوده که در وهله‌ی نخست، نظرات صاحب‌نظران متأخر در خصوص معیارهای سرزندگی در عرصه‌های همگانی شهری مورد بررسی قرار گرفت و پرتکرارترین مؤلفه‌های سرزندگی در فضاهای شهری استخراج گردید. سپس با استناد به پژوهش‌های انجام گرفته در زمینه عوامل مؤثر بر حیات شهری در بافت‌های تاریخی، معیارهای سرزندگی در بافت‌های تاریخی نیز بیان گردید. در نهایت با دسته‌بندی داده‌های به دست آمده و تحلیل محتوایی آن‌ها، پارامترها و مؤلفه‌های سرزندگی

در مکان‌های تاریخی شناسایی و تبیین گردیدند. در مجموع روند انجام تحقیق طی چهار مرحله: ۱. مرحله‌ی نخست: بررسی ادبیات تحقیق پیرامون مقوله‌های سرزندگی، گردشگری، و گردشگری میراثی؛ ۲. مرحله‌ی دوم: استخراج معیارهای سرزندگی در فضاهای همگانی شهری و بافت‌های تاریخی با استناد به آرای نظریه‌پردازان متأخر ۲. مرحله‌ی سوم: دسته‌بندی و طبقه‌بندی اطلاعات و داده‌های به دست آمده و تحلیل محتوایی آن‌ها؛ ۳. مرحله چهارم: استخراج و شناسایی معیارهای سرزندگی در مکان‌های تاریخی انجام پذیرفته است.

۱. سیری بر مفهوم سرزندگی^۱

برای مفهوم سرزندگی، برابری گوناگونی در غرب وجود دارد که از آن جمله می‌توان به Viability, Livability, Liveless, Vitality اشاره نمود؛ که البته به جز "Vitality" لغات دیگر، بیش‌تر به مفهوم زیست‌پذیری و قابلیت زندگی نزدیک هستند (خستو و سعیدی‌رضوانی، ۱۳۸۹: ۶۶). در لغت‌نامه شهرسازی رابرت کوان^۲ سرزندگی و زیست‌پذیری «Vitality & Livability» در کنار هم آمده و به عنوان ویژگی مراکز شهرهای کوچک و بزرگ موفق تعریف شده است. سرزندگی شهر بازتاب سطح شلوغی آن در اوقات مختلف روز و در بخش‌های مختلف است؛ در صورتی که زیست‌پذیری میزانی برای سنجش ظرفیت آن برای جذب سرمایه برای بقاء، بهبود و تطابق نیازهای متغیر است (Cowan, 2005:442). در ادبیات تخصصی طراحی شهری در این خصوص از سال ۱۹۸۱ با انتشار اثر کلاسیک «دونالد اپلیارد» مطرح گردیده است، بیش‌تر حول مفهوم واژه‌ی «Livability» و «Livability» است که معنی آن‌ها به زبان فارسی "سرزندگی" است (پورمحمدی و اسدی، ۱۳۹۳: ۳). فرهنگ لغت معین، واژه‌ی «سرزندگی» را مسرور، معروف، مشهور و مهم‌تر تعریف می‌کند (معین، ۱۳۶۴: ۱۸۶۶). در فرهنگ لغت دهخدا، این واژه به معنای نشاط و شادی، سبکی و چالاک‌ی، خوشی و خوشحالی آمده است (دهخدا، ۱۳۷۲). فرهنگ فارسی عمید واژه‌ی نشاط را شادمانی کردن، سبکی و چالاک‌ی، شادی، خوشی و خوشحالی تعریف می‌کند (عمید، ۱۳۶۳: ۱۲۰۹).

مفهوم سرزندگی از نگاه برخی صاحب‌نظران مطرح خارجی و داخلی نیز هر کدام نظری در این باره دارند. جین جیکوبز^۴، سرزندگی فضاهای عمومی، محله و شهر را حاصل مجموعه‌ای از برخوردها و تماس‌های عمومی که معمولاً نیز خود به خود بوده و حس شخصیت جمعی را در ساکنان برمی‌انگیزد، می‌داند. جیکوبز چهار شرط اصلی را برای خلق تنوع بارور در خیابان‌ها و نواحی شهری و در نتیجه سرزندگی شهری بیان می‌نماید: ۱- محدوده ترجیحاً دارای بیش از دو کار کرد اصلی باشد. ۲- غالب بلوک‌ها کوتاه باشند. ۳- منطقه ترکیبی از ساختمان‌هایی با سن و شرایط متفاوت باشد. ۴- تراکم فشرده کافی مردم صرف‌نظر از علت حضورشان وجود داشته باشد. او در شرط اول بر روی تنوع کاربری، در شرط دوم و سوم بر روی تنوع کالبدی و در شرط چهارم از تنوع فعالیت‌ها سخن می‌گوید؛ در واقع به اعتقاد او تنوع، سرزندگی را به دنبال خواهد داشت. البته این کاربری‌ها هستند که فعالیت‌ها را پدید می‌آوردند و با وجود کاربری‌های مختلط، قطعاً تنوع فعالیت‌ی نیز بالا می‌رود و در نتیجه‌ی آن تنوع، افراد مراجعه‌کننده در ساعات متفاوت روز افزایش می‌یابد. بنابراین یکی از

^۱Vitality

^۲ Robert Cowan

^۳ Donald Appleyard

^۴ Jane Jacobs

ملزومات سرزندگی خیابان، وجود کاربری‌های مختلط و تنوع آن‌هاست. ولی تنوع، تنها یکی از ملزومات ایجاد سرزندگی و پویایی در یک فضا است و عناصر قدرتمند دیگری نیز وجود دارند که در ایجاد فضای شهری سرزنده تأثیرگذار هستند؛ به عنوان نمونه در مقیاس خرد، طراحی شهری جذاب و متناسب با فعالیت‌ها که باعث جلب افراد به آن‌جا می‌شود و در مقیاس کلان، عوامل اجتماعی، فرهنگی، محیطی که از برون بر فضا تأثیر می‌گذارند، نادیده گرفته شده است (جیکوبز، ۱۳۸۶: ۱۶۰). تعریف کوین لینچ^۵ از سرزندگی که بر اساس کتاب «تئوری شکل شهر» منتشر شده، چنین است: «همه‌نگی محیط با نیازهای بیولوژیکی انسان و میزانی که فرم مکان‌ها، بقای زیست‌محیطی انسان و سایر موجودات زنده مفید به لحاظ اقتصادی برای انسان را تأمین می‌کنند. چنین محیطی، به لحاظ سرزندگی، محیطی خوب محسوب می‌شود که سلامت و بهزیستی افراد و بقای موجودات زنده را تأمین کند که البته سه خصوصیت اصلی محیط را که بر سلامتی و ایجاد یک محیط حیاتی و بستر مناسب برای زندگی مؤثرند را، «بقا»، «ایمنی» و «سازگاری» می‌داند (لینچ، ۱۹۸۱: ۱). لینچ در این کتاب عمدتاً سرزندگی را در مقیاس کلان مورد بررسی قرار می‌دهد و معتقد است سرزندگی به همراه پنج عامل دیگر؛ معنی، تناسب، دسترسی، نظارت و اختیار، کارایی و عدالت، محورهای عملکردی شکل خوب شهر را تشکیل می‌دهند. او سرزندگی را به چند بخش تقسیم می‌کند که عبارتند از: بقا، کفایت مقدار لازم آب، هوا، غذا، انرژی و خدمات مواد زائد، ایمنی، عدم وجود سموم زیست‌محیطی و خطرات، سازگاری، همه‌نگی میان محیط‌زیست و نیازهای انسانی، سلامتی و تنوع ژنتیکی موجودات زنده مورد استفاده انسان و در نهایت ثبات بیولوژیکی. لینچ در طبقه‌بندی خود، عمدتاً معیارهای بیولوژیکی و اکولوژیکی را مدنظر قرار داده و تنها با این رویکرد به موضوع سرزندگی می‌پردازد؛ عواملی نظیر مسائل اجتماعی، فرهنگی را که درست به اندازه‌ی عوامل اکولوژیکی در این بحث دارای اهمیت می‌باشند نادیده گرفته است. بنابراین به‌منظور دستیابی به یک محیط سرزنده و پویا می‌توان با دید جامع‌تری به موضوع نگریست تا امکان طبقه‌بندی کامل‌تری فراهم گردد (لینچ، ۱۳۸۱: ۱۶۶ – ۱۵۵).

سای پامیر^۶ در کتاب «آفرینش مرکز شهری سرزنده»^۸ معتقد است دو ویژگی کلیدی خاص به‌مثابه موفقیت در سرزندگی مرکز شهر استوار هستند. یک بازار متنوع،^۹ شخصیت منحصر به فرد یک شهر با تنوع و تمرکز کارکردها و استفاده‌هایی که مکمل یکدیگر باشند، تعریف می‌شود. فراوانی و پرتنوعی کاربری‌ها باعث ایجاد فعالیت عابران پیاده و یک محیط اجتماعی سرزنده می‌شود. یک مکان باکیفیت بالا،^{۱۰} نگ محیط کالبدی راحت، امن و با جذابیت بصری در درازمدت اطمینان خاطر، تعهد و زمینه‌های سرمایه‌گذاری جامعه را ارتقا می‌بخشد. پامیر در این کتاب، عوامل مؤثر بر یک مکان عمومی موفق و پُر جنب‌وجوش را این‌چنین معرفی می‌نماید: ۱- موقعیت مکان: جایگاه یک فضای عمومی موفق بایستی به گونه‌ای باشد که پذیرای جمع کثیری از افراد باشد؛ به‌علاوه در نزدیکی مراکز خرده‌فروشی باشد به‌گونه‌ای که جاذب و تولیدکننده‌ی فعالیت پیاده گردد. اندازه مکان، اندازه‌ی یک فضای عمومی موفق باید به‌گونه‌ای باشد که گنجایش تفریحات جمعی و رویدادها را داشته باشد ولی نه آن‌قدر بزرگ که محصوریت فضا از بین رود. ۲- برنامه‌ریزی مکان: ایجاد یک فضای زنده و دوستدار مردم هنگامی امکان‌پذیر است که اطراف آن مکان به‌وسیله‌ی

⁵ Kevin Lynch

⁶ A Theory of City Form

⁷ Cy Paumier

⁸ Creating a Vibrant City Center (Urban Design and Regeneration Principles)

⁹ Diverse Market

¹ High Quality Place

مغازه‌های خرده فروشی، رستوران‌ها و کافه‌ها احاطه شده باشد. در نظر او که یکی از راه‌های کسب موفقیت در فضای شهری، ایجاد فعالیت‌های تجاری به خصوص خدمات خوراکی است. ۳- طرح مکان: طراحی یک مکان باید ظرفیت فضا را برای جذب و مطابقت‌ها افزایش دهد. در این رابطه به مواردی نظیر نشیمن‌گاه مناسب، کاربری منعطف، راحتی، سازگاری و کیفیت بالا در عین سادگی اشاره می‌کند (پامیر، ۱۳۸۶: ۶۹-۷۳).

یان گل شهرساز دانمارکی، در کتاب «زندگی در فضای میان ساختمان‌ها»، «سرزندگی را در لذت، آسایش و امنیت و با مقیاس انسانی تعریف کرده است (گل، ۱۳۸۷: ۱). به باور او، سرزندگی تمایل شهروندان به حضور فعال و پویا در محیط‌های شهری گفته می‌شود که باعث پر رونق و شلوغ‌تر شدن فضاهای شهری و افزایش حضور شهروندان در فضاهای عمومی شهر می‌شود (گل، ۱۳۸۹: ۵). یان گل معتقد است، یک مکان سرزنده جایی است که مردم برای درنگ ماندن و ملاقات انتخاب می‌کنند، به جای این‌که بخواهند سریع از آن عبور کنند. شهر سرزنده از دید گل، شهری است که فضاهای عمومی در آن دارای عملکرد و کارایی هستند چرا که فضاهای بیرونی دعوت‌کننده بوده و به آسانی قابل استفاده هستند (گل، ۱۳۸۷: ۲۴). وی در کتاب «فضاهای عمومی و زندگی جمعی»^۳ ویژگی‌های اصلی یک شهر سرزنده را تنوعی از کاربری‌های روزانه و شبانه، موسسه‌های آموزش برای تضمین حیات و سرزندگی، مکان‌ها و خیابان‌های امن و فروشگاه‌هایی با ویتترین‌های باشکوه عنوان می‌کند (گل، ۱۳۸۹: ۵).

چارلز لاندری^۴ مفهوم سرزندگی را به گونه‌ای متفاوت بررسی نموده؛ او سرزندگی و زیست‌پذیری را مجزا تعریف کرده و با چهار رویکرد عمده و به شکل موضوعی به مسئله پرداخته است [زیست‌پذیری: خوداکتفایی، بلندمدت، پایداری،^{۱۷} سازگاری، انطباق‌پذیری^{۱۸} و خوداحیایی؛ ۲- سرزندگی: سطوح فعالیت، استفاده و مشارکت، تعاملات، ارتباطات، مبادلات و معاملات و سطوح نمایش (چگونگی تظاهر فعالیت‌ها و معاملات در جهان بیرونی)]. چارلز لاندری در مقاله «سرزندگی شهری؛ خاستگاه رقابت شهری»، «سرزندگی و زیست‌پذیری را با رویکرد اقتصادی، اجتماعی، محیطی و فرهنگی بررسی و معیارهای یک شهر سرزنده و زیست‌پذیر را طرح کرده است (Landry, 2000: 4). ۱- سرزندگی اقتصادی: توسط سطوح اشتغال، درآمد خالص و استانداردهای زندگی مردم در یک منطقه تحت بررسی، شمار سالیانه گردشگران، عملکرد خرده فروشی‌ها، ارزش زمین و دارایی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. ۲- سرزندگی اجتماعی: به وسیله‌ی سطوح فعالیت‌ها و تعاملات اجتماعی به‌علاوه ماهیت ارتباطات اجتماعی سنجیده می‌شود. یک شهر سرزنده و زیست‌پذیر به‌لحاظ اجتماعی می‌تواند به‌واسطه‌ی سطوح پایین محرومیت، پیوستگی اجتماعی قوی، ارتباطات خوب و پویایی میان لایه‌های اجتماعی، روحیه جمعی و غور مدنی، دامنه‌ی وسیعی از شیوه‌های زندگی، روابط موزون و یک جامعه شهری باطراوت توصیف گردد. ۳- سرزندگی و زیست‌پذیری محیطی: دو جنبه را دربر می‌گیرد. اول پایداری اکولوژیکی که

1 Ian Gehl	1
1 Life Between Buildings	2
1 Public Spaces & Public Life	3
1 Charles Landry	4
1 Livability	5
1 Self- Sufficiency	6
1 Sustainability	7
1 Adaptability	8
1 Urban Vitality: A New Source of Urban Competitiveness	
2 Economical Vitality	0
2 Social Vitality	1
2 Environmental Livability & Vitality	

در رابطه با متغیرهایی نظیر آلودگی هوا و صوت، دفع مواد زائد و فاضلاب، انبوهی ترافیک و فضاهای سبز قرار دارد و جنبه‌ی دوم، طراحی است که متغیرهایی مانند خوانایی، حس مکان، تمایز معمارانه، اتصال و ارتباط بخش‌های مختلف شهر، کیفیت روشنایی و این که محیط شهری تا چه حد دوستانه، امن و به لحاظ روانشناسی نزدیک‌شدنی است را دربر می‌گیرد. ۴- سرزندگی و زیست‌پذیری فرهنگی: دگربرگیرنده‌ی بقا، احترام و تجلیل از شهر و مردمانش، هویت، خاطرات، سنت، جشن‌های اجتماعی، تولید، توزیع و مصرف محصولات دست بشر و نشانه‌هایی که بیانگر ماهیت متمایز شهر است. راب کریر^{۲۴} سرزندگی را در مقیاس انسانی در غالب پیاده‌راه‌ها، ترکیب خرید و گردش و ورودی‌های زیاد به فضای عمومی می‌داند (کریر، ۱۳۸۴: ۱). وی معتقد است که فعالیت‌هایی چون گردش، خرید، گفتگو، کار و ایجاد ارتباط اجتماعی را نمی‌توان از یکدیگر به صورت کاملاً مطلق جدا نمود. او علاوه بر توجه به حرکت پیاده در سطح شهر به سلسله‌مراتبی از توزیع کاربری‌ها در سطح شهر معتقد است تا این کاربری‌ها در کنار یکدیگر با مقیاس‌ها و شدت و ضعف‌های گوناگون قرار گیرند. این الگو می‌تواند شامل سرزندگی فضای شهری و جلوگیری از اتلاف هزینه‌های زیاد جهت حمل و نقل گسترده باشد (کریر به نقل از حبیبی و سلیمی، ۱۳۷۶: ۱). جان مونتگومری^{۲۵} سرزندگی را در کنار تنوع از اجزای اصلی سازنده‌ی فعالیت در یک فضای شهری برشمرده و معتقد است سرزندگی موجب تمایز مناطق موفق شهری از یکدیگر می‌شود (Montgomery, 1998: 97). از نظر رایان و فردریک^{۲۶} سرزندگی در وضعیت خاص یا پس از انجام رویدادهای خاص در فرد ایجاد می‌شود و چیزی بیش از برانگیختگی، فعال بودن و یا داشتن منابع ذخیره کالری در فرد است. سرزندگی به معنای داشتن انرژی جسمی و روحی، تعریف شده است که افراد، احساس شور و شوق، سلامتی و انرژی در وجود خود می‌کنند. به نظر این احساس، نوعی تجربه‌ی خاص روان‌شناختی است که در این تجربه، حس شور زندگی و روحیه در افراد قابل مشاهده است (Ryan & Fredrick, 1997: 530). از میان نظریه‌پردازان داخلی کوروش گلکار در پژوهشی که با عنوان «مفهوم کیفیت سرزندگی در طراحی شهری» در رابطه با سرزندگی شهر به انجام رسانده، سرزندگی شهری را معادل واژه‌ی "Livability" و یا "Liveliness" دانسته و آن را به عنوان یکی از مؤلفه‌های سازنده‌ی کیفیت طراحی شهری تعریف می‌نماید؛ به عبارت دیگر، معتقد است سرزندگی به همراه شانزده کیفیت دیگری یعنی «خوانایی، شخصیت بصری، حسن زمان، غنای حسی، رنگ تعلق، آموزش، نفوذپذیری و حرکت، اختلاط کاربری و فرم، همه‌شمول بودن، کیفیت عرصه همگانی، آسایش اقلیمی، ایمنی و امنیت، انعطاف‌پذیری، همسازی با طبیعت، انرژی- کارآیی و پاکیزگی محیطی»، پدیده‌ای به نام کیفیت طراحی شهری را می‌آفریند (گلکار، ۱۳۸۶: ۱-۳).

جهان‌شاه پاکزاد سرزندگی را با نشاط و شادی برای استفاده‌کنندگان فضا مترادف می‌داند، به عقیده‌ی وی، فضای فاقد سرزندگی، بی‌روح، یکنواخت و کسالت‌بار است. او اعتقاد دارد کلید ایجاد روحیه‌ی سرزندگی در فضا، رعایت تنوع در استفاده از رنگ، مناظر، مبلمان، اتفاقات و حتی رفتارها و طیف‌های کاربران است (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۱). طبق نظر او، سرزندگی، پویایی و جذابیت فضای شهری در مقابل ملال‌انگیزی آن بازتاب نوع فعالیت‌هایی است که در فضا صورت می‌گیرد (پاکزاد و سوری، ۱۳۹۰: ۴۱). حسین سلطان‌زاده با اشاره به مصداق‌های فضایی سرزندگی، آن را دارای دو رویه می‌داند و می‌گوید: «سرزندگی دارای دو رویه است که یک رویه‌ی آن به بینش، فرهنگ، مردم و به ادراک آن‌ها وابسته

2 Cultural Livability & Vitality 3
2 Rob Krier 4
2 Jon Montgomery 5
2 Ryan & Fredrick 6

است و دیگری به فضاهای شهری و معماری مربوط می‌شود که این دو رویه با هم ارتباط متقابل دارند» (سلطان‌زاده، ۱۳۹۶). با این تفاسیر مفهوم سرزندگی بر مجموعه‌ای از مؤلفه‌ها دلالت دارد.

۲. سرزندگی شهری^{۲۷}

اگر شهر را به مانند یک موجود زنده فرض کنیم، برای ادامه‌ی زندگی به سرزندگی و نشاط نیازمند است (خستو و سعیدی‌رضوانی، ۱۳۸۹: ۱). شهر سرزنده شهری است که می‌توانیم در آن زندگی سالمی داشته باشیم، جایی است که امکان حرکت و جابه‌جایی هم‌چون پیاده، با دوچرخه، با وسایل حمل و نقل عمومی و حتی در صورت لزوم (وقتی که چاره‌ی دیگری وجود ندارد) با اتومبیل شخصی آسان وجود دارد. در حقیقت شهر سرزنده "شهری است برای همه‌ی مردم"، این بدان معناست که شهر سرزنده باید جذاب، کارآمد و امن برای کودکان و افراد مسن باشد، نه فقط برای کسانی که از آن کسب درآمد می‌کنند و خارج از شهر و در حومه زندگی می‌کنند (طاهری، ۱۳۸۹: ۱). به‌طور کلی، یک "فضای شهری سرزنده"^{۲۸} عبارت است از «فضایی که در آن حضور قابل توجهی از افراد و تنوع آن‌ها (به لحاظ سن و جنس) در گستره‌ی زمانی وسیعی از روز که فعالیت آن‌ها عمدتاً به شکل انتخابی یا اجتماعی بوده و دارای دو رویه است که یک رویه‌ی آن به بینش، فرهنگ مردم و ادراک آن‌ها وابسته است و دیگری به کیفیت زیبایی فضاهای شهری و معماری مربوط می‌شود که با هم ارتباط متقابل دارند» (خستو و سعیدی‌رضوانی، ۱۳۸۹: ۶۶). در حالت کلی سه نوع تلقی متفاوت از حالت وجودی سرزندگی شهری می‌توان داشت که مسلماً پذیرش هر یک از دیدگاه‌های سه‌گانه‌ی مزبور، الزامات خاص خود را برای طراحان شهری به دنبال خواهد داشت (پورمحمدی و اسدی، ۱۳۹۲: ۶ به نقل از پاکزاد، ۱۳۸۶):

^{۲۷}Urban Vitality

^۲ Liveliness Urban Spaces 8

جدول (۲-۴) دیدگاه‌های رایج سرزندگی شهری (منبع: پاکزاد، ۱۳۸۶)

دیدگاه سوم	دیدگاه دوم	دیدگاه نخست
<p>بر مبنای این دیدگاه، سرزندگی شهری پدیده‌ای ادراکی - شناختی است که در جریان فرآیند داد و ستد میان خصوصیات کالبدی و قابل ادراک شهر از یک سو و الگوها و رمزهای فرهنگی، توانایی‌های ذهنی، تجارب قبلی و اهداف ناظر از سوی دیگر شکل می‌گیرد. این دیدگاه از دهه ۱۹۹۰ میلادی بر مسئله "تجربه انسانی" فضای شهری تأکید دارد و کیفیت طراحی شهری، از جمله سرزندگی را در رابطه با "تجربه و ادراک" انسان تعریف و ارزیابی می‌کند. بر اساس این دیدگاه که به "احتمال‌گرایی محیطی" و یا رویکرد تعاملی موسوم است، ابتدا محیط شهری خصوصیات و صفات کالبدی خود را در معرض دید و ارزیابی حواس ناظر قرار می‌دهد و سپس ناظر از آن محیط دریافت‌های گوناگون به عمل آورده و نهایتاً آن را مورد ارزیابی و قضاوت قرار می‌دهد و صفت سرزندگی را به محیط الصاق می‌نماید (پاکزاد، ۱۳۸۶)..</p>	<p>بر مبنای این دیدگاه سرزندگی شهری، مقوله- ای ذهنی و سلیقه‌ای است که کاملاً توسط ناظر ساخته می‌شود و هیچ‌گونه ارتباطی با ساختار و خصوصیات محیط مصنوع ندارد. این دیدگاه به "امکان‌گرایی محیطی" موسوم است و بر مبنای آن هندسه محیط فاقد اهمیت تلقی شده و تنها ویژگی‌های روانشناختی و موقعیت اجتماعی - اقتصادی ناظر است که محیطی را به عنوان محیط سرزنده و محیط دیگری را و یا همان محیط را در زمانی دیگر به عنوان محیطی افسرده طبقه‌بندی می‌نماید (پاکزاد، ۱۳۸۶).</p>	<p>بر مبنای این دیدگاه اساساً سرزندگی شهری صفت و کیفیتی است که در ذات محیط کالبدی و معماری، هستی داشته و به طور مستقل از ناظر وجود دارد. این دیدگاه به "جبریت محیطی" شهرت دارد و بر اساس آن محیط کالبدی مناسب جبراً با ایجاد سرزندگی شهری می‌انجامد (پاکزاد، ۱۳۸۶).</p>

۳. اصول و معیارهای سرزندگی در عرصه‌های همگانی شهری

تعداد قابل توجهی از اندیشمندان و نظریه‌پردازان معماری و شهرسازی به مقوله‌ی سرزندگی در فضاهای شهری و معماری توجه نموده و عواملی را که موجب سرزندگی در این فضاها می‌گردد، را برشمرده‌اند. برخی از آن‌ها در مورد سطح کلان سرزندگی صحبت کرده‌اند و برخی دیگر سرزندگی را از نگاهی خردتر دیده‌اند. کوین لینچ پنج مؤلفه‌ی (۱- ثبات، ۲- هم‌آوایی، ۳- ایمنی، ۴- سود، ۵- حمایت و نگهداری) را به عنوان ارکان سرزندگی ذکر می‌کند. چارلز لاندردی ۹ معیار مؤثر شامل (۱- اختلاط کاربری و تنوع، ۲- دسترسی، ۳- ایمنی و امنیت، ۴- هویت و تمایز، ۵- نوآوری و خلاقیت، ۶- ارتباط و تشریک مساعی، ۷- ظرفیت سازمانی، ۸- قابلیت رقابت، ۹- داده‌های بستر) را برای شناسایی یک شهر سرزنده و زیست‌پذیر برمی‌شمارد. جان مونتگومری در تبیین شاخص‌های سرزندگی به مواردی نظیر (۱- میزان تنوع کاربری‌ها، ۲- تناسب کاربری‌ها با مکان، ۳- زمان فعالیت کاربری‌ها در مکان و تداوم آن در ساعات مختلف شبانه‌روز، دسترسی به سینماها، تئاترها، رستوران‌ها و سایر مکان‌های تجمع فرهنگی باکیفیت، قیمت و انواع مختلف، ۴- دسترسی به فضاهایی چون: باغ‌ها، میدان‌ها، کنج‌ها و وجود دیدها و فعالیت‌هایی که کاربران می‌توانند از مشاهده آن لذت ببرند، ۵- الگوهای کاربری مختلط و نیز حفظ، نگهداری و سرمایه‌گذاری در مکان، ۶- وجود املاک با ابعاد و قیمت‌های مختلف، ۷- میزان نوآوری و رازگویی مکان به لحاظ معماری و بهره‌گیری از تنوع گونه، سبک و سایر ابعاد طراحانه بنا، ۸- زندگی فعال خیابانی و توجه به بدنه و نمای خیابان‌ها) اشاره دارد. از دیدگاه

سای پامیر مؤلفه‌های سرزندگی شامل (۱- اختلاط کاربری، ۲- تشویق فشردگی، ۳- تراکم توسعه، ۴- توازن فعالیت‌ها، ۵- سهولت دسترسی، ۶- افزایش پیوندهای عملکردی، ۷- هویت و تاریخ) می‌باشد. معیارهای سرزندگی به پنداشت ویلیام وایت^۲ شامل (۱- نفوذپذیری کالبدی و بصری؛ ۲- عدم وجود اختلاف سطح‌های شدید در فضای شهری؛ ۳- تأمین امکانات برای نشستن هم به صورت جمعی (مانند پله‌ها) و هم به صورت جدا جدا (مانند نیمکت‌ها)؛ ۴- تأمین نیمکت‌های غیرثابت برای نشستن و افزایش فرصت‌های انتخاب) می‌باشد. وی عوامل کم اهمیت‌تر را شامل آفتاب‌گیری، زیبایی فضا و شکل اندازه فضاها می‌داند. یان گل، (۱- مقیاس انسانی، مسیرهای منطقی کوتاه، فضای کوچک، ۲- تراکم منطقی فضای شهری، ۳- عبور و مرور آرام، فراهم آوردن امکان و پتانسیل توقف طولانی در فضای شهری، ۴- لبه‌های نرم، باز، مقیاس و ریتم، فعال و جاذبه برای حواس، بافت و جزییات، اختلاط کاربری، ریتم عمودی نما) را به عنوان مؤلفه‌های اصلی سرزندگی عنوان می‌کند. دیوید چپمن، سرزندگی را در پنج عامل (۱- جذابیت‌ها، ۲- توانایی دسترسی، ۳- امنیت، ۴- آسایش، ۵- هویت) خلاصه نموده است. تحقیقاتی که باری شرمن^۳ در سال ۱۹۹۸ انجام داد نشان می‌دهد که سرزندگی محصول کیفیت بصری محیط و تنوع فعالیت‌هاست. هنری شفتو^۳ معیارهای سرزندگی را شامل (۱- خوانایی، ۲- تنوع و جذابیت، ۳- زیبایی بصری، ۴- انعطاف‌پذیری، ۵- امنیت، ۶- آسایش و آرامش اقلیمی، ۷- تنوع کاربری و فعالیت شبانه‌روزی، ۸- نفوذپذیری، ۹- حضورپذیری مردم) می‌داند (Shaftoe, 2008:۱).

از میان نظریه‌پردازان داخلی؛ کوروش گلکار مؤلفه‌های سرزندگی را شامل (۱- تنوع کالبدی، ۲- زیبایی بصری، ۳- امنیت، ۳- تنوع کاربری، ۴- حضورپذیری مردم) می‌داند. جهان‌شاه پاکزاد در تبیین مؤلفه‌های سرزندگی به دو عامل تنوع و امنیت (در بعد کالبد و فعالیت) اشاره دارد: (۱- تنوع: تنوع در عملکرد: که با وجود تنوع کاربری مکان در ساعات مختلف شبانه‌روز و جلب گروه‌های مختلف که امکان فعالیت فردی و جمعی را به همراه دارد. وجود فعالیت‌های مربوط به گذران اوقات فراغت مانند رستوران، کافی‌شاپ‌ها و کافه‌ها که دارای سرریزی در خیابان هستند، در کنار تسهیلاتی مثل پارکینگ، تلفن عمومی و دسترسی به حمل و نقل عمومی در این زمینه نقش دارند. تنوع در کالبد: تنوع در جزییات، مصالح، نورپردازی و فرم، در کنار حفظ بناهای تاریخی و شاخص، در ایجاد سرزندگی نقش مؤثری دارند. ۲- امنیت: امنیت در عملکرد؛ پراکندگی نقاط فعال و روشن، کاربری‌های جاذب برای گروه‌ها و افزایش امنیت از طریق حضور مردم، امکان کنترل و وجود افراد مسئول، سازگاری فعالیت‌ها و وجود مسکونی در بدنه‌ها، ضمن پاسخ‌گویی به نیازهای روزمره مردم می‌تواند موجد سرزندگی در فضاهای شهری باشد. امنیت در کالبد: عدم وجود گوشه‌های تاریک و مخفی، نورپردازی مناسب، امکان مراقبت و کنترل بصری و ایجاد تمایز بین عرصه‌های فضای عمومی و خصوصی از جمله راهکارهای مؤثر در تأمین سرزندگی به شمار می‌روند. سیدحسین بحرینی سرزندگی را به همراه مؤلفه‌های زیر تعریف می‌کند: (۱- حس زندگی و هیجان، ۲- وجود مراکز حیاتی، ۳- تراکم زیاد در جوار مراکز و جاده‌های اصلی، ۴- فعالیت‌های کنار خیابان، ۵- فعالیت‌های مستمر یا غیرمستمر، ۶- فضاهای جالب و مهیج) (بحرینی، ۱۳۸۲: ۱).

جدول ۱. مؤلفه‌های سرزندگی از دیدگاه نظریه‌پردازان خارجی و داخلی؛ ماخذ: نگارندگان

صاحب نظران	مؤلفه‌های سرزندگی از دیدگاه صاحب نظران
	2 William Whyte 9
	3 Mark David Chapman 0
	3 Bari Sherman 1
	3 Shaftoe 2

۱- ثبات، ۲- هم‌آوایی، ۳- ایمنی، ۴- سود، ۵- حمایت و نگهداری.	کوبین لینچ
۱- اختلاط کاربری و تنوع، ۲- دسترسی، ۳- ایمنی و امنیت، ۴- هویت و تمایز، ۵- نوآوری و خلاقیت، ۶- ارتباط و تشریک مساعی، ۷- ظرفیت سازمانی، ۸- قابلیت رقابت، ۹- داده‌های بستر.	چارلز لاندری
۱- میزان تنوع کاربری‌ها، ۲- تناسب کاربری‌ها با مکان، ۳- زمان فعالیت کاربری‌ها در مکان و تداوم آن در ساعات مختلف شبانه‌روز، دسترسی به سینماها، تئاترها، رستوران‌ها و سایر مکان‌های تجمع فرهنگی باکیفیت، قیمت و انواع مختلف، ۴- دسترسی به فضاهایی چون: باغ‌ها، میدان‌ها، کنج‌ها و وجود دیده‌ها و فعالیت‌هایی که کاربران می‌توانند از مشاهده آن لذت ببرند، ۵- الگوهای کاربری مختلط و نیز حفظ، نگهداری و سرمایه‌گذاری در مکان، ۶- وجود املاک با ابعاد و قیمت‌های مختلف، ۷- میزان نوآوری و رازگویی مکان به لحاظ معماری و بهره‌گیری از تنوع گونه، سبک و سایر ابعاد طراحانه بنا، ۸- زندگی فعال خیابانی و توجه به بدنه و نمای خیابان‌ها.	جان مونتگومری
۱- اختلاط کاربری، ۲- تشویق فشرده‌گی، ۳- تراکم توسعه، ۴- توازن فعالیت‌ها، ۵- سهولت دسترسی، ۶- افزایش پیوندهای عملکردی، ۷- هویت و تاریخ.	سای پامیر
۱- نفوذپذیری کالبدی و بصری؛ ۲- عدم وجود اختلاف سطح‌های شدید در فضای شهری؛ ۳- تأمین امکانات برای نشستن هم به صورت جمعی (مانند پله‌ها) و هم به صورت جدا جدا (مانند نیمکت‌ها)؛ ۴- تأمین نیمکت‌های غیرثابت برای نشستن و افزایش فرصت‌های انتخاب	ویلیام وایت
۱- مقیاس انسانی، مسیرهای منطقی کوتاه، فضای کوچک، ۲- تراکم منطقی فضای شهری، ۳- عبور و مرور آرام، فراهم آوردن امکان و پتانسیل توقف طولانی در فضای شهری، ۴- لبه‌های نرم، باز، مقیاس و ریتم، فعال و جاذبه برای حواس، بافت و جزئیات، اختلاط کاربری، ریتم عمودی نما.	یان گل
۱- جذابیت‌ها، ۲- توانایی دسترسی، ۳- امنیت، ۴- آسایش، ۵- هویت.	دیوید چپمن
۱- کیفیت بصری محیط، ۲- تنوع فعالیت‌ها.	باری شرمین
۱- خوانایی، ۲- تنوع و جذابیت، ۳- زیبایی بصری، ۴- انعطاف‌پذیری، ۵- امنیت، ۶- آسایش و آرامش اقلیمی، ۷- تنوع کاربری و فعالیت شبانه‌روزی، ۸- نفوذپذیری، ۹- حضورپذیری مردم.	هنری شفتو
۱- تنوع کالبدی، ۲- زیبایی بصری، ۳- امنیت، ۳- تنوع کاربری، ۴- حضورپذیری مردم.	کوروش گلکار
۱- تنوع، ۲- امنیت	جهانشاه پاکزاد
۱- حس زندگی و هیجان، ۲- وجود مراکز حیاتی، ۳- تراکم زیاد در جوار مراکز و جاده‌های اصلی، ۴- فعالیت‌های کنار خیابان، ۵- فعالیت‌های مستمر یا غیرمستمر، ۶- فضاهای جالب و مهیج	سیدحسین بحرینی

از میان مؤلفه‌های مطروحه از جانب هر یک از نظریه‌پردازان، ۱۰ آیتم پرتکرار در میان موارد ذکر شده دیده شده، که نشان‌دهنده اهمیت بیش‌تر این مؤلفه‌ها نسبت به سایر موارد می‌باشد که عبارتند از: ۱. حضورپذیری مردم: یکی از مؤلفه‌های سرزندگی حضور و ماندن مردم در یک فضا است. تا زمانی که مردم از فضا استفاده نکنند، فضا مرده است و با حضور مردم است که فضا جان می‌گیرد. پس باید شرایط مناسب را برای حضور مردم فراهم کرد. یکی از شرایط ماندن و حضور مردم، به وجود آوردن فضاهایی برای نشستن می‌باشد. فقط با امکان نشستن است که حضور و ماندگاری آن فضا، طولانی‌تر می‌شود و امکان فعالیت‌های دلپذیر در بیرون فضاهای بسته فراهم می‌آید (گل و رین‌هالد، ۱۳۷۵: ۸-۹). ۲. تنوع و جذابیت: ایجاد یک جو سرزنده، زیست‌پذیر و مردم‌مدار زمانی میسر است که تنوع و جذابیت در تمام لایه‌های معماری ساختمان و فضاهای عمومی طراحی شده دیده شود. یکی از شاخصه‌های اصلی تنوع، تنوع عملکردی می‌باشد. به نحوی که فضای معماری طراحی شده تنها یک کاربری نداشته باشد و نیازهای دیگر مردم را با توجه به نوع نیاز و فرهنگ‌شان تحت پوشش خود قرار دهد. در برگرفتن لبه‌ی فضاها به وسیله فعالیت‌های تجاری به ویژه

خدمات پذیرایی در ایجاد حس سرزندگی کمک شایانی می‌کند. تجربه نشان داده است که طراحی لبه‌ی فضای معماری و استفاده از مغازه‌های خرده‌فروشی، رستوران‌ها و یا کافه‌ها یکی از بهترین راه‌ها برای افزایش استفاده از فضاهای عمومی می‌باشند؛ غذا مردم را جذب می‌کند و لذت بردن مردم نیز همانند آهنگریایی برای جلب مردم دیگر عمل می‌کند (پامیر، ۱۳۹۲: ۱۱۶).

تنوع بصری نوع دیگری از تنوع و جذابیت می‌باشد. تنوع در مصالح استفاده شده، استفاده از دیدهای بصری متنوع و استفاده از رنگ‌های متنوع سبب تنوع بصری می‌گردد؛ البته ذکر این مسئله حائز اهمیت است که تنوع نباید بی‌نظم بوده و به گونه‌ای باشد که انسجام بصری را از بین ببرد. بدین منظور توجه به عناصر کوچک نیز کاملاً حائز اهمیت می‌باشد؛ به طور مثال توجه به جزئیات معماری بنا، مبلمان مجموعه، کف‌سازی‌های متنوع و ... (همان: ۹۶). ۳. آسایش و آرامش: آسایش ناشی از تماس‌هایی است که لذت‌بخش است و مایه‌ی خشنودی است. تماس‌هایی که اشخاص را به عنوان افرادی از جامعه تأیید می‌کنند. ایجاد تضاد با فضاهای اطراف به کمک المان‌های طبیعی مانند پوشش گیاهی، آب‌نما، احساس فرد از میزان راحتی خود در فضاهای داخلی، پهنای مناسب مسیرهای پیاده، وجود سایه، مکان‌های نشستن، فعالیت‌های فرح‌بخش و شاداب، در معرض دید بودن و احساس امنیت داشتن برای به وجود آمدن آرامش و ایجاد سرزندگی از عوامل حیاتی می‌باشد (کارمونا و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۲۹). ۴. نفوذپذیری: فقط فضاهایی که برای مردم قابل دسترسی باشند به مردم حق انتخاب می‌دهند. بنابراین حدی از قدرت انتخاب، یک معرف کلیدی جهت ارزیابی میزان سرزندگی محیط است که این کیفیت را نفوذپذیری می‌نامند. هم‌چنین از دیگر اشکال نفوذپذیری، نفوذپذیری بصری، می‌باشد. در تعریف نفوذپذیری بصری می‌توان به توانایی دیدن مسیر اشاره کرد. در حالی که نفوذپذیری کالبدی اشاره به توانایی حرکت در محیط است. منظور از آن، ارتباطی است که به لحاظ دیداری، بین درون و بیرون ایجاد شده و امکان بسط یافتن این دو فضا در امتداد یکدیگر را برای کاربران فراهم می‌سازد (بنتلی، ۱۳۸۲: ۶ - ۲۱). ۵. انعطاف‌پذیری: انعطاف‌پذیری به‌طور عام به قابلیت تغییر در اشیا و اجسام گفته می‌شود. در معماری و طراحی محیط و به‌طور خاص طراحی فضاهای عمومی، منظور از واژه‌ی "انعطاف‌پذیری" انعطاف‌پذیری فضایی و سامان‌دهی فضای انسان‌ساخت و تغییر در آن برای دستیابی به شرایط، نیازها و کاربست‌های جدید است (ونتوری، ۱۳۵۷: ۴۹ - ۶۰).

به گفته‌ی پامیر در فضاهای عمومی برای ایجاد سرزندگی باید از فضاهای منعطف استفاده کرد و از دیکته کردن موارد استفاده خاص و منفرد برای فضاهای عمومی اجتناب کرد. فضا نباید مملو از عناصر ثابت باشد، برای به حداکثر رساندن میزان انعطاف‌پذیری، می‌باید از مبلمان ثابت بزرگ اجتناب شود. هم‌چنین استفاده از چند کاربری در کنار هم می‌تواند انعطاف‌پذیری فضا را بیش‌تر نماید (پامیر، ۱۳۹۲: ۱۲۰). ۶. امنیت: یکی از مؤلفه‌های اصلی در ایجاد فضای امن، اندازه و فرم فضا می‌باشد. یافته‌های مطالعاتی حاکی از آن است که اندازه‌ی فضا در متغیرهای امنیت تأثیر می‌گذارد و این از یک‌سو می‌تواند موجب افزایش اضطراب، ناسازگاری و خشنوت گردد و از سوی دیگر، انسجام و روابط اجتماعی را تقویت کرده و سبب نشاط و سرزندگی می‌گردد. به‌طوری‌که کامیلو سیته اظهار می‌دارد که «اندازه‌ی فضا در ایجاد روابط اجتماعی تأثیر دارد، در ابعاد کوچک‌تر فضا روابط صمیمانه‌تری برقرار است» (تولایی، ۱۳۷۹: ۳۹). فرم فضا نیز همانند اندازه‌ی آن، شاخصه و معیاری مهم است. بی‌شک هیچ مجرمی دوست ندارد در حال ارتکاب جرم دیده شود. بنابراین، ساختار فیزیکی فضا یا به عبارتی فرم فضا در چگونگی ایجاد یک فضای بدون دفاع نقشی انکارپذیر دارد و از این‌رو توجه به کیفیات فرم فضا اهمیت می‌یابد. فضاهایی که از نظر ساختاری و فرم به‌گونه‌ای باشد که به‌وسیله‌ی شکل، رنگ و نظم، تصویری روشن در ذهن هر ناظر به وجود بیاورند، شرایط محیطی را به صورت بالقوه جهت رفتار

مجرمانه نامساعد می‌سازند. البته کیفیات محیطی دیگری نیز در این ارتباط مطرح هستند برای مثال، حفظ تدام بصری و فضایی بین فضای برآمده و محیطش به طوری که قطع تداوم و فضایی ایجاد فضاهای مخفی را سبب نگردد؛ هم‌چنین فرم ورودی‌ها به نوبه‌ی خود می‌توانند با فرم و طراحی خاص، شاخص مناسبی برای نمایش فضاهای ایمن باشند (صالحی، ۱۳۸۷: ۱۵۸ - ۱۵۹). ۷. شفافیت: شفافیت از دیدگاه معماری، ترکیب پیچیدگی و وضوح است؛ دیالکتیکی بین آنچه که هست و آنچه که مورد اشاره قرار می‌گیرد. به هر ترتیب می‌توان گفت نفوذ و تقسیم کردن فضا و لایه‌های بصری، ذات کالبدی‌های معماری شفاف است، کمالین که واژه‌ی شفافیت را نمی‌توان تنها به یک پوسته‌ی موقتی چون شیشه نسبت داد، بلکه در حقیقت ماده‌ی شیشه، مانیفست‌های بصری متعددی را در بازه‌ای از رفتارهای نوری فراهم می‌آورد که عملاً ملحقات زیادی را به نگرش‌های سنتی از شفافیت فضایی می‌افزاید. به عنوان نمونه شیشه در معماری می‌تواند در صورت‌های شفاف و نیمه‌شفاف مختلفی چون شیشه صاف، شیشه‌ی نقش‌دار، شیشه سندلاست، شیشه‌ی رنگی و شیشه‌ی قالبی و بلوک شده در کالبد بنا و به‌ویژه نما مورد استفاده قرار گیرد (بابایی و همکاران، ۱۳۹۱: ۷). شفافیت به عنوان مؤلفه‌ای اصلی در سرزندگی در نهایت می‌تواند به القای شاخص‌های فضایی: چون پویایی و سیالیت، تدام و پیوستگی، ارتباط درون و بیرون، ماده‌زدایی و سبکی، انعطاف و سازگاری، مطلوبیت و خوانایی و گشایش فضایی در ضمن تأمین روشنایی بیانجامد. هم‌چنین شایان ذکر است که شفافیت، به ویژه در مورد جداره‌ها، برخلاف معیارهایی مانند وحدت فضایی، ساختار فضا و ... بیش از آن که در کلیت مطرح شود، در اجزا معرفی می‌گردد.

۸. خوانایی: اگر شخص یک‌بار در محیط‌ها و فضاهای عمومی گم شود، اضطراب و وحشتی که به او دست می‌دهد، این نکته را روشن می‌دارد که توازن و سلامت وجود شخصی تا چه اندازه به آشنایی وی با محیط وابسته است. بنابراین یک ساختار خوانا به مردم کمک می‌کند تا بتوانند به سادگی راه خود را پیدا کنند و موجبات احساس امنیت روانی، آسایش، رفاه و مطلوبیت را فراهم می‌آورد (پامیر، ۱۳۹۲: ۸۱). ۹. زیبایی: افراد برای ساختمان‌هایی ارزش‌قائل هستند که می‌توانند خصوصیات نادرست‌شان را متعادل سازند و احساساتی را که تعهدات حاکم اشخاص را مجبور به نادیده گرفتن آن‌ها می‌کنند، ترغیب نمایند. حس رقابت‌جویی، حسادت و پرخاشگری نیاز چندانی به بررسی ندارند؛ اما حس تواضع در جهانی گسترده و عظیم، حس نیاز به آرامش و حس نیاز به سرزندگی و شادمانی، بخش مهمی از خویشتن افراد را تشکیل می‌دهند که خلا تاسف‌انگیزشان می‌تواند نیاز به پیوند این احساسات را به ساختار خانه توجیه کند. گفتن این نکته بسیار مهم است که خانه به جایی گفته می‌شود که صرفاً بتوان حقایق مهمی را که جهان نادیده می‌گیرد یا شخصیت آشفته و مردد افراد فراموش می‌کند به آن‌ها یادآوری نماید. کافی است ساختمانی با نغمه‌ی درونی فرد همسو باشد تا آن را خانه بنامد. بنابراین حتی فرودگاه، کتابخانه، باغچه یا رستوران کوچکی در بزرگراه می‌تواند خانه باشد (دوباتن، ۱۳۸۸: ۱۰۳). بنابراین توازنی که در معماری وجود دارد و آن را با واژه‌ی زیبا توصیف می‌کنند به وضعیتی اشاره می‌کند که به لحاظ روانشناسی آن را سلامت روانی یا شادمانی و سرزندگی می‌نامند.

۱۰. فعالیت‌پذیر بودن: این کیفیت، پتانسیل فضا برای انجام دادن بخش درخور توجهی از فعالیت‌های اجتماعی است. برای این امر مکان‌ها باید واجد فرم، استفاده و معانی گوناگون باشند (عباس‌زاده و ثمری، ۱۳۹۱: ۴). فعالیت، محصول دو مفهوم مجزا، اما مرتبط به هم است: سرزندگی و تنوع (Montgomery, 2007:97).

۴. ارتباط میان گردشگری و سرزندگی شهری

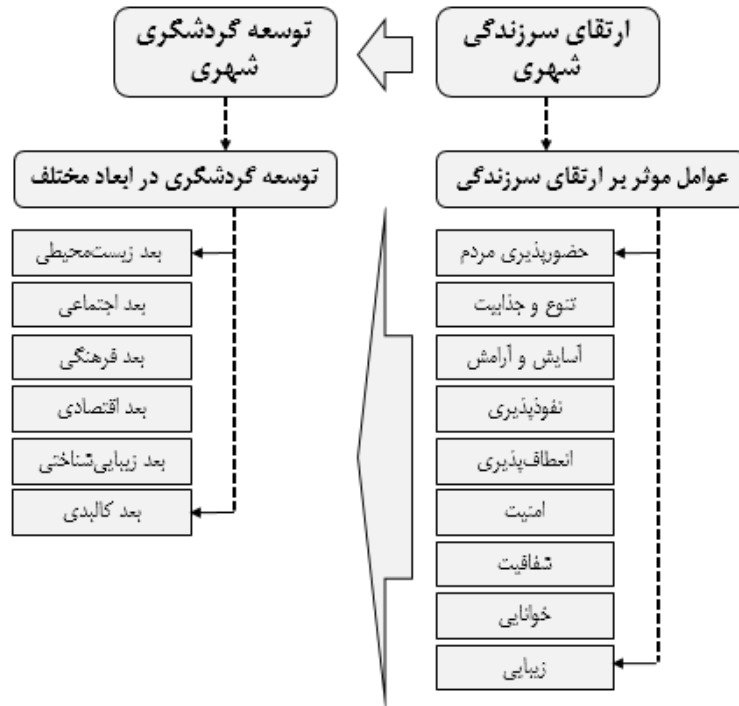
لغت گردشگری^۳ از کلمه‌ی (tour) به معنای گشتن اخذ شده که ریشه در لغت لاتین (turn) به معنای دور زدن، رفت و برگشت بین مبدأ و مقصد دارد که از یونانی به اسپانیایی و فرانسه و در نهایت به انگلیسی راه یافته است. در فرهنگ وبستر، گردشگری به سفری که در آن مسافرتی به مقصدی انجام می‌گیرد و سپس بازگشتی به محل سکونت را دربر دارد، اطلاق می‌گردد (Webster, 1973:1218). در فرهنگ لغت لانگمن^۴، گردشگری به معنای مسافرت و تفریح برای سرگرمی معنا شده است (Longman, 1988:1712). از دیدگاه میل و موریس،^۵ واژه‌ی گردشگری به فعالیتی اطلاق می‌شود که در زمان سفر گردشگرها به وقوع می‌پیوندد. این واژه دربرگیرنده‌ی همه چیز از قبیل برنامه‌ریزی سفر، مسافرت به مکان مورد نظر، اقامت در آن‌جا، بازگشت و یادآوری خاطرات سفر بعد از بازگشت است. همچنین شامل فعالیت‌هایی است که مسافر به‌عنوان بخشی از سفر، انجام می‌دهد، نظیر خریدهای انجام شده و تعاملاتی که میان میزبان و مهمان به وجود می‌آید. خلاصه آن‌که، گردشگری تمامی فعالیت‌ها و تاثیراتی است که در طول سفر برای بازدیدکننده، به وقوع می‌پیوندد (Mill & Morrison, 1992:۱).

سازمان جهانی گردشگری^۶ تعریف جامعی که از گردشگری ارائه داده است، گردشگری را این‌گونه تعریف کرده است: گردشگری عبارت است از مجموعه کارهایی که یک فرد در سفر و در مکانی غیر از محیط عادی خود برای مدتی که کم‌تر از ۲۴ ساعت و بیش‌تر از یک سال نیست، انجام می‌دهد، و هدف آن سرگرمی، تفریح، استراحت، ورزش، دیدار با اقوام و آشنایان، کسب و کار، مأموریت، شرکت در سمینار یا کنفرانس، درمان، مطالعه، تحقیق، فعالیت‌های مذهبی و فعالیت‌هایی از این قبیل است (WTO, 1999:۱). این صنعت آمیزه‌ای از فعالیت‌های مختلف است که به‌صورت زنجیره‌ای به منظور خدمت‌رسانی به گردشگران انجام می‌گیرد. در حقیقت گردشگری شامل همه‌ی پدیده‌ها و روابط حاصل از تعامل گردشگران، عرضه‌کنندگان و فروشندگان محصولات جهانگردی، دولت‌ها، و جوامع میزبان در فرآیند جذب و پذیرایی از گردشگران است (Mcintosh 1995: 9). به‌طور کلی، صنعت گردشگری از دو جهت دارای اهمیت است: اولاً موجب آشنایی مردم با دیگر فرهنگ‌ها، نژادها، اقوام، سرزمین‌ها و گویش‌ها می‌شود و ثانیاً از نظر اقتصادی یکی از منابع مهم درآمد و ارز و نیز ایجاد اشتغال محسوب می‌شود که امروزه جنبه‌ی اقتصادی آن بیش‌تر مورد توجه قرار گرفته است (میرحسینی و جهان‌بخش، ۱۳۹۵: ۹۰). به تبع رشد اقتصادی حاصل از گردشگری، رونق شهرها و روستاها اتفاق می‌افتد و آن‌ها را از یکنواختی درمی‌آورد و به محیطی سرزنده تبدیل می‌کند (موحدیان و محمودی، ۱۳۹۷: ۲). ارتباط میان گردشگری شهری و سرزندگی شهری ارتباطی دوسویه و مستقیم است، به این معنا که در صورت ارتقای میزان سرزندگی در فضاهای شهری، گردشگری شهری نیز توسعه می‌یابد. با شناخت عناصر و پارامترهای سرزندگی و اعمال صحیح آن‌ها در فضاهای شهری می‌توان موجبات حضور فعال گردشگران و به تبع آن رشد گردشگری در همه‌ی ابعاد اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی، فرهنگی، کالبدی، زیبایی‌شناختی و ... را فراهم ساخت.

همان‌طور که در مطالب فوق عنوان گردید، شاخص‌ترین مؤلفه‌های سرزندگی در فضاهای همگانی شهری شامل مواردی نظیر (حضورپذیری مردم، تنوع و جذابیت، آسایش و آرامش، نفوذپذیری، انعطاف‌پذیری، امنیت، شفافیت، خوانایی، زیبایی و فعالیت‌پذیر بودن) می‌باشند که در صورت به‌کارگیری آن‌ها، می‌توان علاوه بر خلق فضایی پویا و

³ Tourism 3
³ Webster Dictionary 4
³ Longman Dictionary 5
³ Mill & Morrison 6
³ World Tourism Organization (WTO)

سرزنده، صنعت گردشگری را نیز توسعه بخشید. در نمودار زیر رابطه‌ی میان شاخص‌های گردشگری شهری و مؤلفه‌های سرزندگی نشان داده شده است.



تصویر ۱. نمودار ارتباط میان سرزندگی و گردشگری شهری؛ ماخذ: نگارندگان.

۵. گردشگری در مکان‌های تاریخی (گردشگری میراثی)

امروزه آثار تاریخی و جاذبه‌های فرهنگی از عوامل مهم در جذب گردشگری محسوب می‌شوند. چراکه آثار باستانی و کهن هر جامعه‌ای، معرف فرهنگ خاص همان کشور و دارای ویژگی‌ها و ارزش‌های درخور توجه همان مملکت و مرز و بوم است. این آثار دارای ارزش‌های معنوی بسیار زیاد برای آن قوم و جاذبه‌ای برای دیگران است و در نتیجه باعث جلب و جذب دیگران برای بازدید و شناخت آن جاذبه‌ها و آثار می‌شود (ساعی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱). گردشگری تاریخی^{۳۸} به منظور آشنایی با میراث‌های هنری، فرهنگی، آداب و رسوم و بناهای تاریخی با اهداف گوناگون از جمله

^{۳۸}. گردشگری تاریخی (Historical Tourism) که گردشگری میراث نیز نامیده می‌شود، و به بازدید از موزه‌ها، مکان‌ها و ابنیه تاریخی می‌پردازد، امروزه بخش عمده‌ای از گردشگری را به خود اختصاص داده است. این نوع گردشگری یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین انواع گردشگری است و شاید به جرأت بتوان گفت اصلی‌ترین نقش را در تبلیغ و جذب گردشگران به عهده دارد؛ زیرا آشکارترین و زنده‌ترین اسناد و نشانه‌های وجود تاریخ و تمدن در کشورها محسوب می‌شود. گردشگری میراث به طور گسترده‌ای با میراث فرهنگی گذشته یا منابع فرهنگی ارتباط دارد. این منابع معمولاً شامل موزه‌ها، مقبره‌های تاریخ و چشم‌اندازها می‌شود. گردشگری میراث، سفر برای تجربه مکان‌ها و فعالیت‌هایی است که به صورت موقت، داستان‌ها و مردمان گذشته را معرفی می‌کنند. چنین گردشگرانی به بازدید از موزه‌ها، مجسمه‌ها، کلیساها و ابنیه تاریخی می‌روند که یادآور شکوه و عظمت کشورهای باستانی چون ایران، مصر و یونان است. یکی از راه‌های دستیابی به فرهنگ صحیح، آشنا شدن مردم جهان با میراث فرهنگی و تاریخی یکدیگر و از طریق آن، دست یافتن به تفاهم بین‌المللی است. صنعت گردشگری یکی از ابزارهایی است که می‌تواند زمینه این آشنایی را فراهم آورد؛ بنابراین آنچه با عنوان میراث فرهنگی به شمار می‌آید متعلق به یک جامعه نیست، بلکه تعلق به همه جوامع بشری دارد. چشم‌اندازهای طبیعی، شهرهای قدیمی و بناهای تاریخی موجود در آن‌ها یا اماکن باستانی دیگر از چنان جاذبه‌هایی برخوردارند که گردشگران را به سوی خود جلب می‌کنند؛ از این‌رو امروزه با توجه به حاکمیت

آموزشی و پژوهشی صورت می‌گیرد (شمس و امینی، ۱۳۸۸: ۱). از این رو مکان‌های تاریخی بستری مناسب جهت برآورده شدن بسیاری از اهداف گردشگری با تأکید بر گردشگری تاریخی- فرهنگی می‌باشند. آشنایی با کالبد، معنا و فعالیت‌های درون مکان‌های تاریخی به‌عنوان کلیتی جامع بوده که هم‌زمان آشنایی با میراث‌های فرهنگی، هنری و تاریخی را میسر می‌سازد. کشور ایران نیز به سبب وجود جاذبه‌های فراوان تاریخی و فرهنگی دژ زمره‌ی مستعدترین کشورهای جهان در حوزه‌ی گردشگری تاریخی قرار دارد. در حقیقت ایران یکی از هفت کشور تمدن‌ساز بشری است که دارای بیش از یک میلیون و دویست هزار اثر تاریخی و فرهنگی غیر منقول می‌باشد که از این نظر در رتبه‌ی دهم جهان قرار گرفته است (شیخ‌حسینی، ۱۳۹۴: ۱۲)، لذا با فراهم آوردن بسترهای اقتصادی و مدیریتی مناسب، می‌تواند به یکی از مقاصد مهم برای گردشگران تاریخی تبدیل گردد (اسکندری مقدم و مهدوی، ۱۳۹۵: ۲).

۷. عوامل ارتقادهنده‌ی سرزندگی در بافت‌های تاریخی

با توجه به مشکلات اصلی بافت‌های هدف برنامه‌های بازآفرینی شهری، به‌نظر می‌رسد که عوامل ارتقادهنده‌ی سرزندگی در وهله‌ی نخست می‌بایست با مشکلات و معضلات این بافت‌ها همخوانی و سازگاری داشته باشند و در جهت از بین بردن و بهبود آن گام بردارند، از این رو و با در نظر گرفتن عمده‌ترین مشکلات این گونه از بافت‌ها می‌توان عنوان کرد که معیارهای زیر عامل افزایش سرزندگی هستند (اسکانی و حاجیان، ۱۳۹۵: ۶):

۱. **تنوع جاذبه‌ها:** یکی از مشکلات اصلی این بافت‌ها، عدم تنوع کاربری‌های محیط است که ارتباط مستقیم با جذب کم شهروندان به فضاهای عمومی دارد.
۲. **قابلیت دسترسی:** اصلی‌ترین مشکل این گونه از بافت‌ها ضعف دسترسی است، در حالی که قوت دسترسی می‌تواند امکانات متنوع رسیدن به عرصه‌های عمومی را فراهم کند.
۳. **آسایش:** عدم وجود آسایش به دلایل فراوان از جمله آلودگی‌های محیطی، بصری و مانند آن‌ها در این گونه فضاهاست.
۴. **ایمنی و امنیت:** این دو مولفه که جنبه‌ی کالبدی و اجتماعی دارند نیز باعث ارتقای سرزندگی در محدوده‌های بافت تاریخی می‌شوند.
۵. **زمان و بعد فعالیت:** زمان فعالیت‌ها و بُعد مناسب آن‌ها افزون بر این که سبب افزایش جذب و نگهداشت شهروندان به محیط‌های شهری می‌شود، باعث افزایش امنیت محدوده‌های بلافصل خود نیز می‌شوند و در نتیجه از دو جنبه‌ی تنوع و امنیت به این ارتقا می‌رسیم.
۶. **فعالیت‌های کنار خیابان:** این فعالیت‌ها ارتباط مستقیم با ابعاد و تنوع فعالیت ما دارد که افزایش آن، به صورت برنامه‌ریزی شده، کنترل شده و با در نظر گرفتن اصول مربوط به خود، می‌تواند مؤثر باشد.

سیستم اقتصاد آزاد عمومی در امر محافظت از بناهای تاریخی و بافت قدیمی آن قسمت از شهرها که دارای ارزش‌های فرهنگی و توریستی هستند، اهمیت زیادی دارند. اغلب محققان معتقدند که باور و اعتقاد ملی به نقش مثبت برنامه گردشگری میراث برای محافظت آثار تاریخی، نقطه‌ی شروع مناسبی جهت درک اغلب توصیفات و ویژگی‌های گردشگری میراثی است. برنامه‌های گردشگری میراثی، موجب رشد و توسعه راهبردی، آموزش و حمایت و طرفداری و در نتیجه نجات مکان‌های باستانی و تاریخی و احیای مجدد جوامع می‌شوند (یعقوب‌زاده، ۱۳۹۴: ۱).

۳۹. جاذبه‌های تاریخی شامل مکاهای تاریخی و فرهنگی می‌شود که از نظر میراث فرهنگی اهمیت بسیاری دارند و به همین دلیل از نظر گردشگران بسیار جذاب و دیدنی‌اند (حیدری چپانه، ۱۳۸۹: ۴۲).

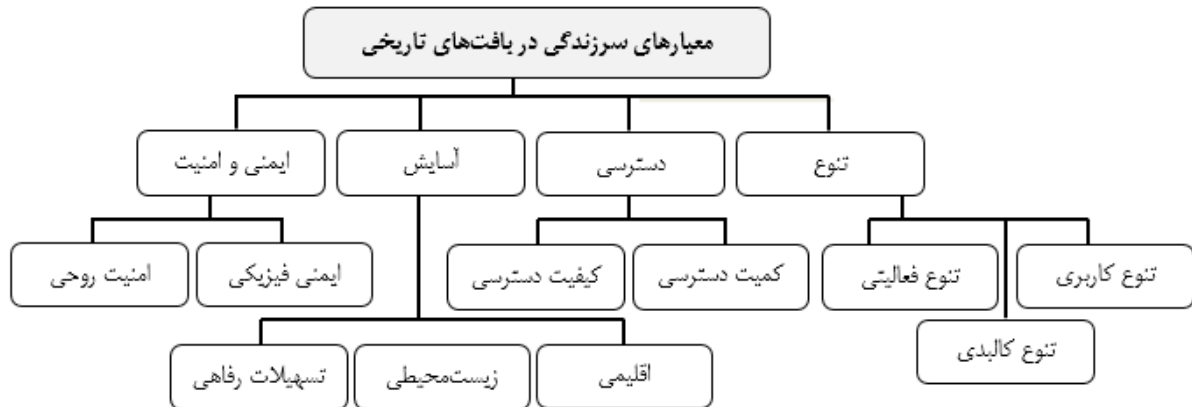
۷. **حمل و نقل:** حمل و نقل در هر دو بخش عمومی و خصوصی امکان افزایش حضور شهروندان، در محیط‌های شهری را سبب می‌شود و در نتیجه ارتقای سرزندگی آن را فراهم می‌کند.
۸. **اختلاط کاربری‌ها:** این اختلاط در این بافت‌ها کم‌تر دیده می‌شود، باعث جذب شهروندان به محیط شهری می‌شود.

این موارد را به طور خلاصه می‌توان در چهار معیار ۱. تنوع: تنوع را می‌توان از اصلی‌ترین عوامل ارتقای سرزندگی دانست، چرا که این عامل باعث جذب شهروندان و استفاده‌کنندگان متنوع به محیط‌های شهری می‌شوند. "تیبالدز"^۴ نیز در کتاب شهرهای انسان‌محور به نقل از جین جیکوبز بیش‌ترین تنوع شهری را حاصل از تفاوت در مردم می‌داند و معتقد است در برنامه‌ریزی می‌بایست به این تنوع، توجه ویژه شود تا شهری زنده‌تر پدید بیاید (تیبالدز، ۱۳۸۵: ۲۵-۲۸). جیکوبز نیز در کتاب «مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی»، چهار شرط داشتن بیش از دو کارکرد اصلی، بلوک‌های کوتاه، تنوع در سن ساختمان‌ها و تعداد کافی مصرف‌کنندگان را ضروری دانسته است، که نشان از توجه ایشان به کارکرد و کالبد فضاها در ایجاد تنوع دارد. در رابطه با تنوع "سای پایمر" هم به تنوع در فعالیت‌ها و کالبد اشاره می‌کند (پامیر، ۱۳۸۹: ۹۶). از طرفی تنوع را می‌توان در سه دسته کاربری، کالبدی و فعالیتی تقسیم کرد (بحرینی، ۱۳۸۲: ۲۱۵-۲۱۶). در نهایت می‌توان عنوان کرد که تنوع را در تنوع کاربری، تنوع کالبدی شامل مساحت و طبقات و تنوع فعالیتی، شامل تنوع فعالیت‌ها و زمان فعالیت‌ها بررسی کرد. ۲. دسترسی: سرزندگی در فضاهای عمومی رابطه مستقیمی با دسترسی شهروندان به این فضاها دارد، علی‌الخصوص که در تمامی بافت‌های تاریخی در زمره جدی‌تری مشکلات است. اهمیت دسترسی تا جایی است که "بحرینی" آن را یکی از خصوصیات شهر خوب می‌داند (بحرینی، ۱۳۸۳: ۲۰۳). این ویژگی در ابعاد مختلفی اعم از توجه به جنبه‌ی پیاده و سواره بودن دسترسی، دسترسی تند و کند، دسترسی محلی و عبوری، حمل و نقل عمومی و خصوصی، ترافیک ساکن و ترافیک در حال عبور قابل بررسی و ارزیابی هستند.

این در حالی است که تیبالدز معتقد است که شهرها باید ساخته شود تا برای افراد پیاده، دوچرخه‌سواران، افراد پیر و معلول و دانش‌آموزان کارایی داشته باشند (تیبالدز، ۱۳۸۵: ۶۱). دسترسی در بافت‌های تاریخی را می‌توان در عرض معابر، تعداد معابر سواره‌رو، تنوع حمل و نقل عمومی پیگیری کرد. هرچند پیاده‌رو و نور کافی معابر نیز در دسترسی قابل بررسی هستند، اما این دو شاخص در بخش ایمنی و امنیت مورد تحلیل قرار می‌گیرند. ۳. آسایش: کرمونا عنوان می‌نماید که اگر فضاهای شهری راحت نباشد، بعید است که مورد استفاده قرار بگیرد (کرمونا، ۲۰۰۷ به نقل از تهرانی، ۱۳۹۰: ۱۰۴). وی هم‌چنین آسایش را به مؤلفه‌های زیر تقسیم می‌کند: ۱- تأمین آسایش اقلیمی، ۲- توان استفاده از تجهیزات محیط و ۳- انواع آلودگی‌های محیطی. پامیر نیز چهار عامل "آب و هوا، ترافیک، تسهیلات رفاهی و امنیت فیزیکی" (پامیر، ۱۳۸۹: ۱۰۵) را باعث ایجاد آسایش فیزیکی در شهر می‌داند، از این‌رو می‌توان اذعان کرد که آسایش اقلیمی، آسایش زیست‌محیطی و تسهیلات رفاهی می‌شود، که دو مورد آخر در بافت‌های تاریخی مسئله بسیار جدی است. ۴. ایمنی و امنیت: ایمنی و امنیت دو بحث متفاوت هستند، از این جهت که ایمنی جنبه‌ی کالبدی و امنیت جنبه‌ی روانی دارد. در این بافت‌ها هر دو، شاخص‌های فراوانی دارند، اما با توجه به رویکرد کالبدی پژوهش، به ایمنی عابر پیاده و امنیت با استفاده از نور، پرداخته می‌شود. سازمان برنامه‌ریزی منطقه سن‌دیه‌گو در رهنمودهای طراحی

⁴ Mixed Use 0
⁴ Francis Tibbalds 1

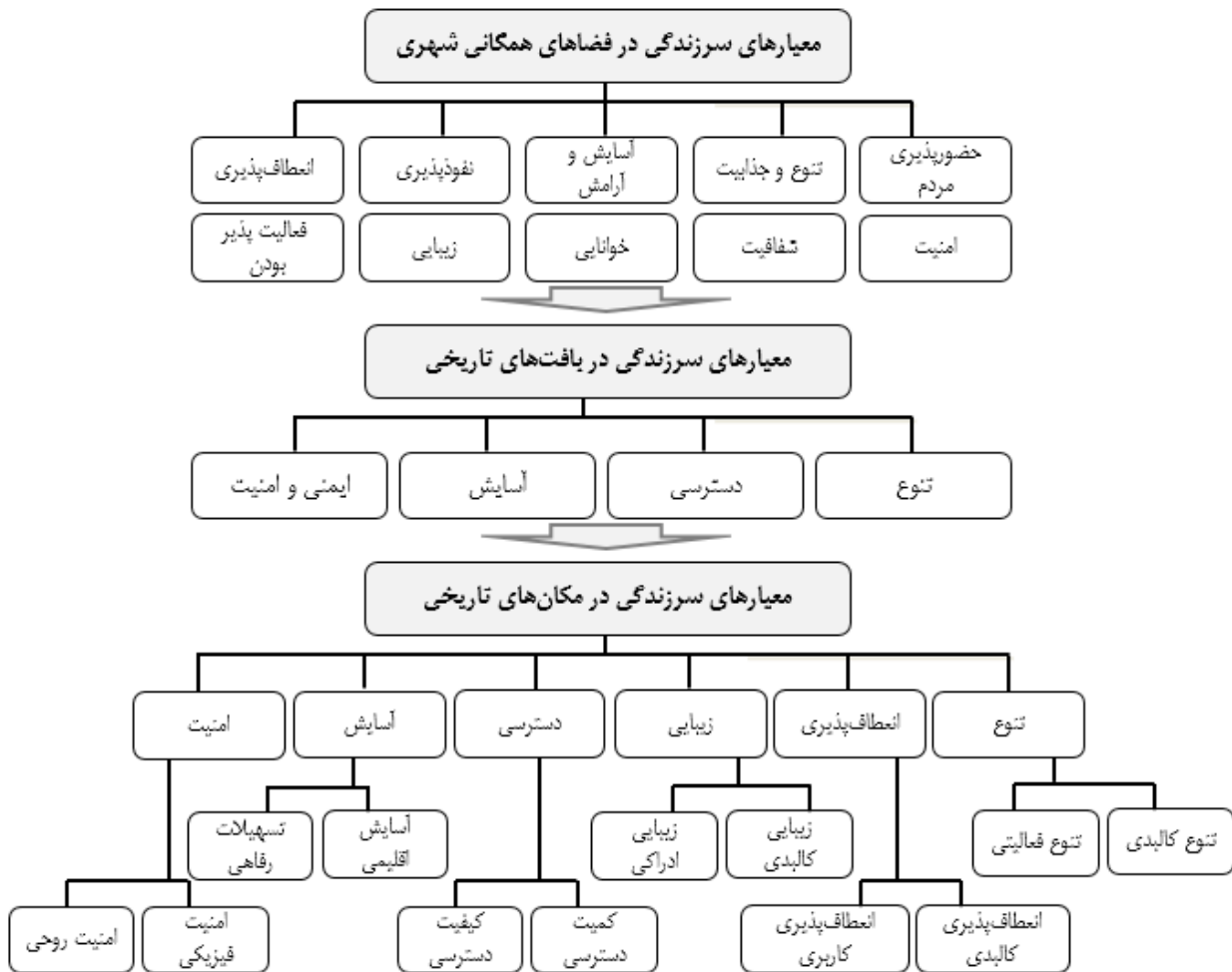
شهری پیاده‌مدار، امنیت پیاده را تا حدود زیادی تحت‌تأثیر اندازه، مقیاس، شدت و کیفیت نورپردازی فضا می‌داند (سازمان برنامه‌ریزی منطقه سن‌دیه‌گو، ۱۳۸۸^۴: ۱۱). تقسیم‌بندی کرد. که به عنوان معیارهای اصلی ارزیابی و ارتقای سرزندگی در بافت‌های تاریخی محسوب می‌شوند (اسکانی و حاجیان، ۱۳۹۵: ۶).



تصویر ۲. معیارهای سرزندگی در بافت‌های تاریخی؛ ماخذ: (اسکانی و حاجیان، ۱۳۹۵: ۶)

نتیجه‌گیری

فضاهای شهری، به ویژه فضاهای تاریخی به علت وجود جاذبه‌های نوستالژیک، معماری، فرهنگی و بناهای ارزشمندی که نمادی از شرایط اقتصادی، اعتقادی و اجتماعی آن دوران است از مقاصد مهم گردشگری به شمار می‌آیند. توجه به ویژگی‌های تاریخی و مکان‌های قدیمی شهرها می‌تواند جذب توریسم فرهنگی و تاریخی و نهایتاً اشتغال، ارزآوری، رونق اقتصادی و احیای مکان‌های ناکارآمد را در برداشته باشد. متأسفانه علی‌رغم تعدد مکان‌های تاریخی به جای مانده در ایران، حفاظت شایسته از این آثار مورد غفلت و بی‌توجهی قرار گرفته است. این در حالی است که تمام حیثیت آینده‌ی یک شهر در آن است که ارزش‌های تاریخی آن حفظ گردد. با توجه به نقش هویتی مکان‌های تاریخی بایستی راهکارها و روش‌هایی مدنظر قرارگیرد که بتوان از طریق اعمال آنها، این مکان‌های ارزشمند شهری را صیانت نمود. مهم‌ترین رهیافت پیشنهادی برای حفظ و احیای مکان‌های تاریخی، تامین سرزندگی و پویایی در این مکان‌هاست، زیرا سرزندگی از جمله عواملی است که در کالبد یک فضا روح می‌دمد و آن را از تبدیل شدن به فضایی متروک، مصون می‌دارد. در پژوهش حاضر با استناد به مؤلفه‌های سازنده‌ی سرزندگی در عرصه‌های همگانی و همین‌طور بافت‌های تاریخی که از سوی صاحب‌نظران متاخر مطرح شده بود، شاخص‌ترین معیارهای ارتقادهنده‌ی سرزندگی در مکان‌های تاریخی استخراج گردید که شامل ۶ معیار عمده تحت عنوان (تنوع، انعطاف‌پذیری، زیبایی، دسترسی، آسایش، امنیت) می‌باشند. لازم به ذکر است که هر یک از معیارهای مطروحه‌ی فوق، دارای تقسیمات و زیرمجموعه‌هایی مختص به خود می‌باشند که در نمودار ذیل به تفکیک نشان داده شده‌اند. امید است با اعمال صحیح معیارهای ارتقادهنده‌ی سرزندگی در مکان‌های تاریخی، بتوان ضمن احیا و باززنده‌سازی این مکان‌های ارزشمند، فضایی مطلوب را جهت جذب و جلب گردشگران تاریخی فراهم ساخت.



تصویر ۲. معیارهای سرزندگی در مکان‌های تاریخی؛ ماخذ: نگارندگان

منابع:**کتاب‌ها:**

- بحرینی، سیدحسین. (۱۳۸۲). "فرآیند طراحی شهری". چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بنتلی، ای. ین. (۱۳۸۲). "محیط‌های پاسخ‌ده". دکتر مصطفی بهزادفر، تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت.
- تیبالدز، فرانسیس. (۱۳۸۵). "شهرهای انسان محور بهبود محیط عمومی در شهرها". ترجمه حسن‌علی لقای و فیروزه جدلی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- پاپلی یزدی، محمدحسین. (۱۳۸۱). "گردشگری (ماهیت و مفاهیم)". تهران: انتشارات سمت.
- پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۸۶). "مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری". چاپ دوم، تهران: انتشارات شهیدی.
- پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۸۶). "راهنمای طراحی فضاهای شهری در ایران". چاپ سوم، تهران: انتشارات شهیدی.
- پامیر، سای. (۱۳۸۶). "آفرینش مرکز شهری سرزنده (اصول طراحی شهری و بازآفرینی)". ترجمه مصطفی بهزادفر و امیر شکیبامنش، تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت.
- تهرانی، فرید. (۱۳۹۰). "ترس در فضای شهری". تهران: انتشارات آرمان شهر.
- جیکوبز، جین. (۱۳۸۶). "مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی". ترجمه حمیدرضا پارسی و آرزو افلاطونی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حبیبی، سیدمحسن؛ سلیمی، جواد. (۱۳۷۶). "استخوان‌بندی شهر تهران". تهران: انتشارات معاونت فنی و عمرانی شهرداری تهران.
- حیدری چیا، رحیم. (۱۳۸۹). "مبانی برنامه‌ریزی صنعت گردشگری". تهران: انتشارات سمت.
- دوباتن، آلن. (۱۳۸۷). "معماری شادمانی". ترجمه پرویز آقایی، تهران: انتشارات ملائک.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۲). "لغت‌نامه". زیر نظر محمد معین و جعفر شهیدی، مؤسسه لغت‌نامه دهخدا، مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- سازمان برنامه‌ریزی منطقه سن دیه گو. (۱۳۸۸). "برنامه‌ریزی و طراحی برای پیاده‌ها". رهنمودهای طراحی شهری پیاده‌مدار، ترجمه رضا بصیری مژده‌ای، تهران: انتشارات طهان.
- سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۹۶). "مقدمه‌ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران". تهران: نشر آبی.
- عمید، حسن. (۱۳۶۳). "فرهنگ فارسی عمید". چاپ چهارم. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- کارمونا، متیو؛ تنراک، یت‌هیت و تیسول، استیون. (۱۳۸۸). "مکان‌های عمومی، فضاهای شهری: ابعاد گوناگون طراحی شهری". ترجمه مهشید شکوهی و اسماعیل زهرا احری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کریر، راب. (۱۳۸۴). "فضای شهری". ترجمه خسرو هاشمی‌نژاد، تهران: نشر تاک.
- گل، یان. (۱۳۸۷). "زندگی در فضای میان ساختمان‌ها". ترجمه شیما شصتی، انتشارات جهاد دانشگاهی.
- گل، یان. (۱۳۸۹). "فضاهای عمومی و زندگی جمعی". ترجمه علی غفاری و محمدصالح سهیلی‌پور، تهران: انتشارات دانشگاه بهشتی.
- لینچ، کوین. (۱۳۸۱). "تئوری شکل شهر". ترجمه سید حسین بحرینی، چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مسعود، محمد؛ بیگ‌زاده شهرکی، حمیدرضا. (۱۳۹۲). "بناهای میان‌افزا در بافت‌های تاریخی؛ مبانی طراحی و معیارهای ارزیابی". تهران: نشر آذرخش.
- معین، محمد. (۱۳۶۴). "فرهنگ فارسی معین". چاپ هفتم. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

ونتوری، رابرت. (۱۳۵۷). "پیچیدگی و تضاد در معماری". ترجمه محمود بشارتی‌راد و واهان پزشکیان، تهران: علم. یعقوب‌زاده، رحیم. (۱۳۹۴). "گردشگری تاریخی راهی در جهت حفظ جاذبه‌های فرهنگی". قابل دسترس در سایت <https://www.eligasht.com>

مقالات:

احمدی، فرشته؛ نیکبخت، بهناز. (۱۳۹۴). "طراحی پارک شهری بر اساس تحلیل رابطه‌ی بین فرم شهر و سرزندگی (مطالعه موردی: محله همت‌آباد)". سومین کنگره بین‌المللی عمران، معماری و توسعه شهری، تهران، دبیرخانه دائمی کنگره بین‌المللی عمران، معماری و توسعه شهری، دانشگاه شهید بهشتی.

اسکانی، غلام‌حسین؛ حاجیان، سارا. (۱۳۹۵). "نقش مبلمان شهری در سرزندگی بافت‌های تاریخی (نمونه موردی: بازار تهران)". دومین کنگره بین‌المللی زمین، فضا و انرژی پاک، تهران.

اسکندری‌مقدم، مریم؛ مهدوی، افسون. (۱۳۹۵). "توسعه گردشگری جهت ارتقا کیفیت محیط شهری با حفظ و تقویت رویکرد تاریخی". دومین همایش ملی فرهنگ، گردشگری و هویت شهری.

اکبرپور سرانسانرود، محمد؛ رحیمی، محسن و محمدی، فاضل. (۱۳۹۰). "سنجش تاثیرات گسترش گردشگری بر ابعاد توسعه پایدار (مطالعه موردی: شهرستان هشتروند)". فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال اول، شماره ۳، صص ۹۳-۱۰۴.

بابایی، محمدرضا؛ سلطان‌زاده، حسین و شریک‌زاده، مسعود. (۱۳۹۱). "مقدمه‌ای بر مفهوم و انواع شفافیت در هنر و معماری معاصر غرب"، نشریه علمی- پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، شماره ۳، صص ۵-۱۶. پورمحمدی، محمدرضا؛ اسدی، احمد. (۱۳۹۳). "سرزندگی شهری، مفهوم و مؤلفه‌های آن". کنفرانس ملی معماری و منظر شهری پایدار.

خستو، مریم؛ سعیدی‌رضوانی، نوید. (۱۳۸۹). "عوامل مؤثر بر سرزندگی فضاها شهری، خلق یک فضای شهری سرزنده با تکیه بر مفهوم مرکز خرید پیاده"، نشریه هویت شهر. شماره ۶، صص ۶۳-۷۴. شمس، مجید؛ امینی، نصیره. (۱۳۸۸). "ارزیابی شاخص فرهنگ ایرانی و تأثیر آن در توسعه گردشگری"، نشریه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی (جغرافیای انسانی)، شماره ۴، صص ۹۳-۸۱.

شیخ‌حسینی، حسین. (۱۳۹۴). "مطالعه گردشگری میراثی تاریخی با رویکرد تحکیم هویت ملی بر اساس نظریه بنیادین (مطالعه موردی تهران)". اولین کنگره ملی راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار در بخش‌های توسعه علم و فناوری.

صالحی، اسماعیل. (۱۳۸۷). "ویژگی‌های محیطی فضاها شهری امن". مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، تهران.

طاهری، لینا. (۱۳۸۹). "پیش‌درآمدی بر ویژگی‌های شهر زنده". نشریه جستارهای شهرسازی، شماره ۳۲، صص ۳۹-۳۵.

عباس‌زاده، شهاب؛ ثمری، سودا. (۱۳۹۱). "بررسی و تحلیل مؤلفه‌های تأثیرگذار بر بهبود کیفیات فضایی پیاده‌راه‌ها به منظور افزایش سطح تعاملات اجتماعی". فصلنامه مطالعات شهری، شماره ۴، صص ۱۰-۱.

فیروزی‌داد، سیما. (۱۳۹۷). "سامان‌دهی سیما و منظر شهری در جهت ارتقای کیفیت محیطی (مورد پژوهش: بافت مرکزی شهر یزد)". ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر.

فیض، داود؛ طاهریان، حسین و زارعی، عظیم. (۱۳۹۰). "کیفیت خدمات و رضایت مشتریان در صنعت هتلداری (مورد مطالعه: هتل‌های شهر مشهد)". فصلنامه علمی - پژوهشی کاهش‌های مدیریت بازرگانی، شماره ۶، صص ۱۴۹-۱۲۳. گلکار، کوروش. (۱۳۸۶). "مفهوم کیفیت سرزندگی در طراحی شهری". مجله صفا، شماره ۴۴. موحدیان، حسن؛ محمودی، مهنوش. (۱۳۹۷). "طراحی مجموعه گردشگری با رویکرد ارتقاء سرزندگی". پنجمین کنفرانس ملی دستاوردهای اخیر در مهندسی عمران، معماری و شهرسازی. میرحسینی، زینب‌السادات؛ جهان‌بخش، حیدر. (۱۳۹۵). "بررسی تأثیر مؤلفه‌های کالبدی بافت تاریخی بر امنیت محیطی گردشگران". مجله هویت شهر، شماره ۲۷، صص ۱۰۴-۸۹.

پایان‌نامه:

تولایی، نوبل. (۱۳۷۹). "شکل شهر منسجم، مطالعه انسجام کالبدی شهر در اندیشه و عمل". رساله دکتری، دانشکده-های هنرهای زیبا، تهران.

منابع لاتین:

- Cowan, R. (2005). "The Dictionary of Urbanism". Tisbury: Streetwise press.
- Landry, Ch. (2000). "Urban Vitality: A New Source of Urban Competitiveness", Prince Claus Fund Journal, Archis Issue "Urban Vitality – Urban Heroes".
- Longman Dictionary, 1988.
- Ritchie, J. R., Goeldner, C. R., & McIntosh, R. W. (2003). *Tourism: principles, practices, philosophies*. John Wiley & Son (New Jersey).
- Mill, R. C. & Morrison, A. M. (1992). "The Tourism system: an introductory Text", 2nded. Prentice Hall, New Jersey.
- Montgomery, J. (1998). "Making a City: Urbanity, Vitality and Urban Design". *Urban Design*, 3(1), pp. 93-116.
- Ryan, R. M & Frederick, Ch. (1997). "On Energy, Personality, and Health: Subjective Vitality as a Dynamic Reflection of Well- Being". *Journal of Personality*, Vole 65, Issue 3, pp. 529-565.
- Shaftoe, H. (2008). "Convivial urban spaces: creating effective public places", First published by earth scan in the UK and USA.
- Sharan, Consultant Engineers. (2005). "A Guide to Recognition and Intervention in Worn out textures", approved by Iran's supreme council for planning and architecture.
- Webster Dictionary, 1973.
- World Tourism Organization. (WTO). (1999.) *Tourism: 2020 Vision*.